در ادعای میقات نوعی در استظهار از آیه «قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ»

(9:32)

علی ای‌ّحال جلوتر هم عرض کردم؛ هیچ وقت این‌گونه نیست که نسبت به یک نظر علمی که فکر کرده، بخواهیم سر سوزنی بی احترامی کنیم. اصلاً این حرفها نیست. ولی گاهی آدم در مباحثه عرض حال می‌کند. هم بحث هستیم؛ من به‌عنوان یک طلبه آن حال ذهنی خودم را خدمت شما می‌گویم. بدون این‌که بخواهیم تنقیص کنیم و بگوییم ما درست می‌فهمیم و آنها غلط می‌فهمند. از این حرفها نیست. حال ذهنی است. من مکرر عرض کرده‌ام که مثلاً علماء در این‌جا این‌طور فرموده‌اند اما برای ذهن من احتمالش بیست درصد است. گاهی هم می‌بینم برای ذهن من احتمالش صفر است.

یکی از احتمالاتی که در ذهن من صفر است، این است که آیه شریفه «يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّ»[1] را معنا کنیم به «میقات کل بلدٍ بحسبه». خب شهر دیگر و قریه دیگر [چطور]؟ آنها میقات خودشان را دارند. چه ربطی به این بلد و به این قریه دارد؟ در ذهن من این که آیه «مواقیت للناس» می‌خواهد بفرماید: «مواقیت للناس قم»، «مواقیت للناس ساوه»، «مواقیت للناس تهران». این احتمال در ذهنم صفر است. چون میقات، این نیست. به هر قریه ای بگویند در افق خودتان ببینید، این میقات شما است! سهل التناول است و خالص! عرض کردم شما ممکن است بگویید صد در صد حرف تو غلط است، من حرفی ندارم. نمی‌خواهم بگویم درست است. دارم عرض حال ذهنی می‌کنم. سالها که مشغول بودم این‌گونه است. الآن هم اگر اشکالی داری بفرمایی، ولی خب «مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّ»، معاش آنها، معاملات آنها هست. مگر معاملات، تنها در یک قر است؟! اصلاً تجارت به چه صورت بوده است؟ تجارت به سفر محقق می‌شود. مضاربه ای که این‌قدر فقهاء صحبت می‌کنند، اساس تجارتش به اَسفار مهمه است. که مال را از یک جا به جای دیگری می‌برند تا سود ببرند. «مواقیت للناس»، حضرت فرمودند «فی معاشهم». حال بگویی من، میقات تهران به قم چه کار دارد؟! حتی یک درصد ذهن من همراهی نمی‌کند که بگویی شاید منظور از این «میقات الناس»، «میقات کل بلد و قریة بانفسهم» است. مستقل و با موضوع جدایی است؛ ربطی هم به دیگری ندارد.

---

[1] البقره ۱۸۹

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژانویه 2026 15:48:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 ژانویه 2026 15:55:50 توسط ... .